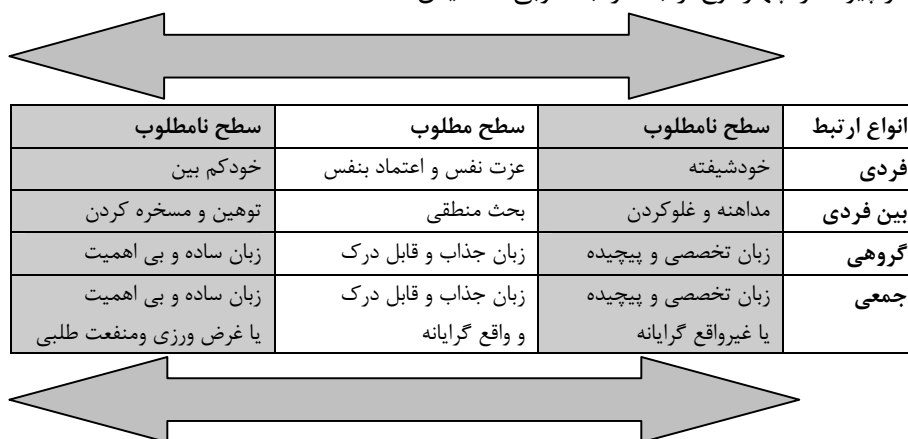


الگوی سطوح مطلوب و نامطلوب ارتباط قاسمی-کشکر

خوشبختانه ورزش شرایطی را فراهم می کند که افراد ارتباط بهتری نسبت به سایر محیط ها برقرار می کنند. نخست به دلیل خود زبان ورزش که زبانی غیرکلامی و همه فهم است. زبان ورزش به نحوی است که اکثر افراد آن را درک می کنند و پیام های آن را به طور نزدیکی دریافت می نمایند.

در یک الگوی ساده از روابط در ورزش به شرح شکل ۱-۵ می توان حیطه مطلوب روابط در پیوستار چهار نوع ارتباط را به خوبی تشخیص داد.



انواع ارتباط	سطح نامطلوب	سطح مطلوب	سطح نامطلوب
فردی	خودشیفته	عزت نفس و اعتماد بنفس	خودکم بین
بین فردی	مداهنه و غلوکردن	بحث منطقی	توهین و مسخره کردن
گروهی	زبان تخصصی و پیچیده	زبان جذاب و قابل درک	زبان ساده و بی اهمیت
جمعی	زبان تخصصی و پیچیده یا غیرواقع گرایانه	زبان جذاب و قابل درک و واقع گرایانه	زبان ساده و بی اهمیت یا غرض ورزی ومنفعت طلبی

شکل ۱-۵ حیطه های مطلوب و نامطلوب در انواع ارتباط

ارتباط فردی: در پیوستار ارتباط فردی، سطح مطلوبی در میانه آن وجود دارد. در یک سر این پیوستار، افرادی قرار دارند که خود شیفته هستند و هرچه دارند، فکر می کنند از همه بالاتر و برتر است و کسی از آنها بهتر نیست! در سر دیگر این پیوستار، افرادی قرار دارند که خود کم بینند و احساس می کنند از همه پایین تر و ضعیف تر هستند. در میانه این پیوستار و سطحی که از آن به عنوان سطح اطمینان و مطلوب یاد می کنیم، افرادی حضور دارند که دارای خودپنداره مثبت، اعتماد بنفس و عزت نفس می باشند. افراد خودشیفته، همه چیز و همه کس را در خدمت خود می خواهند؛ افراد خودکم بین هم پیوسته از عقب ماندن خود هراسانند. هر دو دسته این افراد همواره نگرانند که مورد

کم توجهی قرار نگیرند و به دلیل این بی تعادلی در ارتباط با خود، نگرانی‌ها و تنش‌های فراوانی را تجربه می‌کنند که در دیگر انواع ارتباط آنها تاثیر زیادی دارد. کسانی که به عزت نفس می‌رسند و توانایی‌ها و ارزش‌های خود را به شکل منطقی باور می‌کنند. آنها نه خود شیفته هستند و نه خود کم‌بین. اغلب آنها اگر مدیر، استاد، مربی، ورزشکار یا داور باشند، به خاطر سلام نکردن یا دیرسلام کردن مرئوسان خود، برآشفته نمی‌شوند و در صدد انتقام بر نمی‌آیند. آنها حتی رقبای خود را دوست دارند و رقابت سالم را فرصتی برای پیشرفت طرفین می‌دانند. آنها از این که در میدان رقابت شکست بخورند به دنبال حذف رقیب در بیرون از قواعد بازی و میدان نیستند و شکست را فرصتی برای شناخت بیشتر خود می‌دانند. در مجموع اغلب آنها فارغ از منافع شخصی به رعایت ارزش‌های اخلاقی بها می‌دهند، حتی اگر دیگران آن را رعایت نکنند! همه این‌ها به خاطر این است که به عزت نفس رسیده‌اند. بیشتر کارهای ما در طول روز، مبتنی بر نیازهای ما است. آبراهام مازلو، طبقه بندی ساده‌ای از نیازها را مطرح می‌کند. او می‌گوید، نیازها از پایین‌ترین سطح، یعنی نیازهای اولیه خواب، خوراک و جنسی شروع می‌شود و در سطح دوم ما وارد نیازهای ایمنی مثل ایمنی جانی، شغلی و حتی مسکن می‌شویم. در سطح سوم، نیازهای اجتماعی مثل تایید و مورد احترام واقع شدن از طرف دیگران و داشتن شهرت و جایگاه اجتماعی به وجود می‌آید. در سطح چهارم، نیاز به عزت نفس یا نیازی مبتنی بر حفظ ارزش‌ها و باورهای پذیرفته شده در فرد به وجود می‌آید و در سطح پنجم و بالاترین سطح، نیاز به خودشکوفایی یا شناخت توانایی‌ها و پرورش و بروز آنها مبتنی بر ارزش‌ها پدید خواهد آمد.

در واقع در پیوستار مورد اشاره در ارتباط فردی، کسانی می‌توانند در سطح اطمینان و مطلوب قرار بگیرند که در سه سطح اولیه نیازها متوقف نشده باشند. هرچند برای رسیدن به سطوح بالای نیاز مثل عزت نفس باید، نیازهای سطح پایین‌تر را به شکلی منطقی پاسخ داد، اما گاهی به دلیل پرورش نامناسب و آموزش غلط یا ناکافی، در سه سطح اولیه باقی می‌مانیم. گاهی سفره‌های رنگین و جاذبه‌های جنسی برای ما مهم‌ترین اولویت می‌شود. در مواردی داشتن شغلی خاص، مسکنی بزرگ و امثال آن به هر

قیمت، مهم ترین اصل و نیاز تلقی می شود. در موارد زیادی هم، توجه، احترام و تایید دیگران به هر قیمت به مهم ترین نیاز تبدیل می شود تا جایی که فرد برای حفظ یا کسب یک صندلی مدیریتی حاضر است به هر کاری دست بزند یا مربی و ورزشکاری، قانون را مخفیانه زیر پا بگذارند و حتی دوپینگ نمایند. یا استادی حاضر می شود برای مطرح کردن خود، کار دانشجوی را به نام خود ثبت نماید! ارتباط با خود، مهم ترین گام ارتباطات ورزشی است و باید تلاش کرد تا به نیاز عزت نفس و خودشکوفایی نزدیک شد.

ارتباط بین فردی: در این نوع نیز پیوستاری وجود دارد که در یک سوی آن مداهنه (مبالغه غیرواقعی) و در سوی دیگر آن توهین و مسخره کردن است. سطح مطلوب و قابل اطمینان در این نوع ارتباط، هم کلامی منطقی و اقتاعی، بدون مداهنه و توهین است. در ارتباطات ورزشی خود، گاهی کارکنان، شاگردان و متریبانی را می بینیم که در حضور مدیر، استاد یا مربی، چنان در بیان ویژگی های او مبالغه می نمایند که بر همه عیان است که مداهنه می شود و بدتر زمانی که در فضای رقابت و سبقت جویی بین عده ای در مداهنه قرار می گیریم. بسیاری از افرادی که تن به مداهنه می دهند، در ارتباط با خود، از نوع خودکم بین هستند و برای حفظ موقعیت یا جایگاه خود، حاضرند این نوع ارتباط را به کار گیرند. مدیران، اساتید و مربیان و ورزشکاران و کسانی که از این نوع ادبیات مسرور می شوند و به وجد می آیند و مایلند که با وجود غیرواقعی بودن، بیشتر بشنوند هنوز به سطح بالاتر نیازها یعنی عزت نفس لازم، دست نیافته اند. البته بیان واقع گرایانه خصایل و ویژگی های مثبت، از عوامل لازم در ارتباطات صحیح بین فردی است، به شرطی که واقعی باشد نه مبالغه و مداهنه. مبالغه و آرایه نظرات غیر واقعی، منجر به باورهای غلط در طرف مقابل می شود و چه بسیار مدیران، اساتید، مربیان، ورزشکاران و داورانی که فرصت فکر کردن و شناخت واقعی خود و توانایی های واقعی خود را به خاطر این مداهنه ها از دست می دهند.

در سوی دیگر پیوستار ارتباطات بین فردی، افرادی را می بینیم که نظرات و رفتار دیگران را به مسخره می گیرند و در واکنش به دیدگاه ها و نظرات، پیش از هرگونه استدلال و تأمل به شدت آن را با گونه ای توهین آمیز، مسخره یا نفی می کنند. این افراد با توهین، مسخره کردن یا زیر سؤال بردن، انگیزه برقراری ارتباط منطقی محور و

استدلال گرایانه توأم با تفکر نقادانه را از بین می‌برند. استاد یا مربی یا مدیری که به شاگرد یا کارمند خود اجازه استدلال منطقی نمی‌دهد و یا شاگرد و کارمندی که اطلاعات خود و نداسته‌های استاد، مربی و مدیر را با ادبیاتی توهین‌آمیز نمایش می‌دهد، نمونه‌هایی از این دست هستند. حتی فرد یا منتقدی که در بیان نظرات و پیشنهادهای درست خود، ادبیاتی توهین‌آمیز دارد، باعث می‌شود تا پیش از آنکه به جنبه اصلاحی و کمکی آن توجه شود، جنبه‌های توهین‌آمیز آن برجسته‌گردد. همه این موارد و مواردی دیگر از این دست، گواهی بر ضعف ارتباطات بین فردی در ورزش است. ارتباط جویان در ارتباط بین فردی مناسب، در تعاملات خود با افراد دیگر، نه مدافعه می‌کنند و نه توهین. انتقاد را به عنوان فرصتی برای کمک به دیگران، طوری مطرح می‌کنند که طرف انتقاد با استقبال آن را بپذیرد. آنها در بیان نظرات و واکنش به نظر دیگران، با عزت نفس، طریق استدلال و منطق را پیش می‌گیرند.

ارتباط گروهی: در شکل سوم ارتباط، یعنی ارتباط گروهی، افرادی وجود دارند که تلاش می‌کنند پیام‌های کلامی خود را به جمعی محدود و مشخص، مثل جمع خانواده، دوستان، یک کلاس یا حاضرین در جلسه یا همایش ارائه نمایند. در این سطح نیز پیوستاری را می‌توان در نظر گرفت که در یک سوی آن، پیچیده‌گویی و در سوی دیگر آن بیانی با حس بی‌فایده‌گی برای مخاطب مطرح می‌شود. در این سطح نیز، افرادی وجود دارند که در قالب استاد، مدیر، مربی یا حتی سخنران، طوری صحبت می‌کنند که حاضرین کمتر پیام و منظور اصلی آنها را درک و دریافت می‌کنند. در واقع این افراد بدون توجه به سطح درک مخاطبین و پیشینه اطلاعاتی آنها سخن می‌گویند و خیلی زود مستمعین را خسته می‌کنند. در سوی دیگر پیوستار، افرادی هستند که سخنان بیهوده و بی‌استفاده می‌گویند و به اصطلاح به دنبال گوش مفت هستند! دسته‌های هیچ توجهی به نیاز و مصلحت مخاطب ندارند. در محدوده اطمینان این پیوستار، افرادی هستند که با توجه به ارزش زمان، نیاز مخاطب و توجه به سطح درک آنها و به شکلی کاربردی سخن می‌گویند.

ارتباط جمعی: در شکل چهارم از انواع ارتباطات در ورزش، ارتباطات جمعی وجود دارد که نقش مهمی در هدایت سایر انواع ارتباطات مورد اشاره خواهد داشت. در پیوستار این

نوع ارتباط نیز در یک سو، شکل غیر واقع گرایانه و در سوی دیگر شکل غرض ورزانه وجود دارد. در سطح اطمینان و مطلوب این پیوستار، ارتباطی واقع گرایانه، همراه با آگاهی و به دور از غرض ورزی مطرح می شود.

در انتهای پیوستار، اربابان جراید، خبرنگاران، گزارشگران و مجریان و ستون نویس هایی وجود دارند که چون اطلاع کافی از ورزش ندارند، لذا پیام هایشان یا آرمان گرایانه و یا ساده لوحانه و دور از واقعیت می شود. از یک سو ترسیم آرمان های دور از دسترس موجبات شکل گیری توقعاتی در افکار عمومی می شود که با نگاه منطقی و استدلال های علمی فاصله دارد و با یک شکست یا رفتار دور از انتظار، تجربه ناکامی اجتماعی را ناآگاهانه پایه ریزی می کنند. برداشت های ساده انگارانه غیر واقعی نیز، باعث دور شدن از واقعیت و نقاط ضعف یا قوت واقعی در افکار عمومی می شود. در این شرایط به دلیل فقدان شناخت کافی و توان تشخیص ناکارآمدی های واقعی، گاهی نتایج و اتفاقاتی را به عنوان ارزش برجسته می نمایند که باعث نادیده گرفته شدن مشکلات واقعی خواهند شد.

در سر دیگر پیوستار، افرادی هستند که قلم، دوربین و کلامشان در راستای منافع یا نیازهای شخصی یا گروهی، فارغ از منافع ملی یا همگانی به کار گرفته می شود. این گونه افراد در بسیاری از موارد بر واقعیت ها چشم می پوشند و با غرض ورزی و ارضای حس نیازهای درونی و یا دست یابی به اهداف خاص شخصی، قلم، دوربین یا کلام خود را به کار می گیرند. برخی از افراد تلاش می کنند تا رقیب را با تخریب از میدان به در کنند، یا با تخریب یک شخصیت احساس قدرت می نمایند و یا چون به فرد یا تیم خاصی علاقه مندند، باید آن را به هر قیمتی برجسته نمایند و حتی گاهی برای فروش بیشتر، جذب مخاطب بیشتر و گرفتن امتیازات، قلم می زنند یا برنامه می سازند و یا کلام می رانند.

سطح قابل اطمینان یا مطلوب این پیوستار، افرادی هستند که با شناخت واقعی، عزت نفس و مهارت مناسب، با قلم، دوربین و کلام خود، سعی می کنند که در بین افکار عمومی واقعیت ها را روشن و با انتقادات سازنده و راهگشا، زمینه توسعه ورزش را بدون نتیجه گیری های غیرواقع گرایانه و غرض ورزانه فراهم نمایند.

برگرفته از کتاب : مبانی اجتماعی- فرهنگی ورزش، تالیف : حمید قاسمی و سارا کشکر، انتشارات نشر ورزش